

متمم‌گر می‌کند و از جنبه معنوی حیات انسان غافل می‌سازد در حالی که می‌توانستند بسیار زودتر از این‌ها به شکل سالمتر آنها دست یابند. و اگر چنین بود اعتماد به نفس و احساس هویت را نیز به ارمغان می‌گرفتند. یکی از این اندیشه‌های جدید که موضوع روز نیز هست اندیشه «توسعه پایدار» است. جنبه‌های مختلف مرتبط با توسعه پایدار را در شقوق مختلفی می‌توان دسته‌بندی و بررسی کرد. اگر توسعه پایدار را خط مشی و سیاستی در رابطه با انواع فعالیت‌های انسان فرض کنیم، خواهیم دید که طی یک سلسله مراتب منطقی، از یک سو با «جهان‌بینی» و از سوی دیگر با «مصادیق» ارتباط دارد. به عبارت دیگر، این «جهان‌بینی» است که باید نخست ویژگی‌های «توسعه پایدار» را تعریف و تعیین نماید، و آنگاه برنامه‌ریزی «مصادیق» در قالب «توسعه پایدار» انجام پذیرد.

### ارتباط جهان‌بینی و سیاستها

آنچه از دیرباز تمدن‌های مختلف راه‌هویت بخشیده و رشد و تکامل و تحول و دگرگونی آنها را شکل و جهت داده است، عقاید و جهان‌بینی حاکم بر آنها در قالب فرهنگ جامعه بوده است.<sup>۱</sup> در عین حال برای اداره جامعه و تنظیم فعالیت‌ها و روابط بین آنها، اصول و سیاست‌هایی نیز باید تبیین و اتخاذ گردد. این اصول و سیاست‌ها هنگامی کارایی لازم را دارند و به‌عنوان عاملی در جهت توفیق و تعالی جامعه (در مقایسه با جهان‌بینی حاکم) عمل می‌نمایند، که هماهنگ با اصول و آرمان‌های منبعث از جهان‌بینی باشند و با معیارهای برآمده از آن ارزیابی و تأیید شده باشند. بدیهی است که این به‌معنای طرد و نفی مطلق علوم و اندیشه‌ها و سیاست‌های وارداتی (از تمدن‌ها و فرهنگ‌های بیگانه) نیست، بلکه مراد این است که اندیشه‌های وارداتی نیز بایستی با معیارهای خودی ارزیابی شود، نقاط قوت آنها تقویت گردد و نقاط ضعف آنها حذف شود تا در یک کلام، رنگ و بو و هویت ملی و آشنا به خود بگیرد.<sup>۲</sup> در دهه سوم (و پس از جهان‌بینی و سیاستها)، مصادیق یا امور (فی‌المثل محیط زیست، انرژی، توسعه شهری، منابع طبیعی و...) مطرح می‌باشد که اصول و سیاست‌ها نحوه برخورد با آنها را

یکی از مشکلات جوامع و تمدن‌هایی که از خط‌مشی‌های وارداتی و ابداع شده توسط سایر جوامع برای اداره امور و فعالیت‌های مختلف خویش استفاده می‌کنند این است که غالباً سیاست‌های وارداتی به‌طور درستی و بدون محک خوردن با معیارهای منبعث از جهان‌بینی و تفکر حاکم بر جامعه خودی، پذیرفته و به کار گرفته می‌شود. حاصل این فرایند، رشد از خودبیگانگی، احساس حقارت در برابر بیگانه، بحران هویت و بسیاری معایب دیگر است که امروزه گریبان‌گیر اینگونه جوامع و بویژه ممالک جهان سوم می‌باشد. نوشته حاضر، بدون رد مطلق ابتکارات و اندیشه‌های سایر تمدن‌ها که به هر حال متعلق به جامعه بشری‌اند، در پی آن است که راهی بیابد تا به خط‌مشی‌ها و سیاست‌های وارداتی در زمینه «توسعه پایدار» هویت اسلامی-ایرانی بخشیده شود. در این راستا، ارتباط سلسله‌مراتبی «جهان‌بینی»، «اصول و سیاستها» و «مصادیق» بررسی خواهد شد و آن دسته از اصول و مفاهیمی که مؤید و اصلاح‌کننده «توسعه پایدار» به‌عنوان یکی از سیاست‌ها و خط‌مشی‌های وارداتی می‌باشد مورد مذاکره قرار خواهد گرفت.

### درآمد

نظری گذرا به تاریخ تحول و پیشرفت رشته‌های مختلف علوم و فنون و هنرها نشان می‌دهد که بسیاری از اندیشه‌ها با وجودی که زادگاهشان مشرق زمین بوده است در موطن خویش مهجور مانده‌اند و در سرزمین‌های پیشرفته صنعتی مورد توجه قرار گرفته و به‌عنوان اندیشه‌های «جدید» و «غربی» جهان‌گیر شده‌اند. البته کسی ادعا نمی‌کند که دستیابی به همه اندیشه‌های غربی نتیجه مستقیم مطالعه متون ممالک شرق بوده است، بلکه تأسف این است که چرا کشورهای بهره‌مند از تمدن کهن و از جمله ممالک اسلامی در متون و منابع خود، به شکل صحیح و به موقع مطالعه و غور و بررسی نمی‌کنند تا ناچار نشوند اندیشه‌هایی را از غربیان بگیرند که به تبعیت از وجه بارز تفکرات حاکم بر تمدن معاصر مغرب‌زمین توجه انسان را روی جنبه مادی زندگی

# ریشه‌های «توسعه پایدار» در «جهان‌بینی اسلامی»

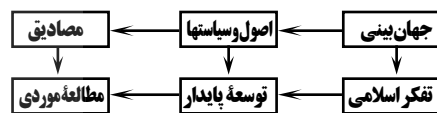
دکتر مهناز امین‌زاده

دکتر محمد نقی زاده

(بسته به مورد) تعیین می کنند.

بنابر این تبیین نظریات و جهان بینی حاکم بر تمدن (جامعه) ایرانی یک ضرورت خواهد بود تا به کمک آن بتوان همه امور مربوط به اداره و توسعه و تعالی جامعه را بطور هماهنگ و در جهت دستیابی به آرمانها و مقاصد که تفکر حاکم بر جامعه برای آن ترسیم می کند رهبری نمود. شکی نیست که آراء و عقاید حاکم بر جامعه و تمدن و فرهنگ ایرانی مایه ای غنی از باورهای منبعث از جهان بینی و تفکر اسلامی دارد که توجه به آن در همه امور ضروری است. زیرا گذشته از ارتباط منظم و پیوسته یاد شده که در هر جامعه ای برای حفظ و تقویت مبانی جامعه باید رعایت شود، توجه به تفکر اسلامی (به عنوان تفکر غالب بر جامعه ایران) اولاً در جهت ثبات را افزایش می دهد و راه را بهتر می نمایاند، ثانیاً نه تنها از نمونه های غربی کاملتر و جامعتر می باشد بلکه اصولاً راهی ملی و منطبق با هویت ایرانی - اسلامی ارائه می نماید، و ثالثاً علاوه بر تحصیل جنبه های مادی، ارضاء روحی و معنوی جامعه را نیز به همراه دارد.

نمودار زیر ارتباط بین متغیرهای ذکر شده را به صورت مجموعه زیر پیشنهاد می نماید:



شناسایی و تعریف ویژگیهای توسعه پایدار (به عنوان یک خط مشی) مقصود اصلی مقاله حاضر می باشد و موضوع مصادیق، مورد نظر ما نیست و بررسی آن را به مجالی دیگر وامی گذاریم. مقاله حاضر گام نخستین در مسیر شناسایی ریشه های توسعه پایدار در متون اسلامی و ارتباط جهان بینی و تأثیر آن در تفسیر توسعه پایدار در تعالیم مکتب اسلام است.

### اصطلاح توسعه پایدار

پیش از شروع بحث، بی مناسبت نیست تا در زمینه انتخاب اصطلاحات و واژه های معادل برای اصطلاحات و لغات بیگانه تذکراتی چند تقدیم شود. انتخاب هر جایگزین و معادلی برای اصطلاحات و تعابیر مأخوذه از زبانهای بیگانه حتی

اگر کاملاً مطابق با فرهنگهای لغت باشد، الزاماً و بطور کامل منطبق بر معنای لغت یا اصطلاح اصلی، و حامل و مبین همه ابعاد معانی واژه اصلی که گاهی طی هزارها سال و در فرایندهای فرهنگ شکل گرفته است نخواهد بود.<sup>۳</sup> این گفته بویژه در مورد اصطلاحاتی صدق می کند که تعیین کننده خط مشی جامعه هستند. زیرا حد اعلای آن پذیرش و ترویج یک الگوی بیگانه (قبل از ارزیابی آن با معیارهای ملی) است. و این مترادف با غفلت از ارزشها و اصول فرهنگی و جهان بینی جامعه ای است که در آن زندگی می کنیم. وانگهی با اندکی غور در فرهنگ هر جامعه ای احتمال ارائه «نسخه ای ملی» از اندیشه مطروحه توسط بیگانه قوت خواهد یافت و این «نسخه ملی» نامی جدید (غیر از ترجمه تحت اللفظی نام بیگانه) را طلب می نماید. برای نمونه اصطلاح «توسعه پایدار» را که ترجمه اصطلاح «Sustainable Development» می باشد با اندکی تسامح می توان ترجمه تحت اللفظی صحیحی دانست.<sup>۴</sup> اما با عنایت به این که اولاً این اصطلاح به عنوان سیاستی تعیین کننده در فعالیتهای کشور برگزیده شده است و ثانیاً با لحاظ نمودن عوامل فرهنگی و اجتماعی، این نتیجه حاصل می شود که با ارائه تفسیری بر عبارت «توسعه پایدار» امکان ارائه قرائتی نو و ایرانی از آن فراهم می گردد. ولی به احترام واضعان و استفاده کنندگان از اصطلاح «توسعه پایدار» ما نیز آن را به کار خواهیم برد اگر چه همانگونه که آرزو مند به وجود آمدن «نسخه ایرانی توسعه پایدار» می باشیم آرزوی جعل واژه و اصطلاحی ایرانی - اسلامی برای آن را نیز داریم.

با مطالعه متون اسلامی و غور در آنها مشخص می شود که تفکر اسلامی در رابطه با طبیعت و محیط و رابطه انسان با آنها و نحوه استفاده از منابع طبیعی و... و جوه و اهدافی بسیار والاتر از آنچه را که توسط تفکر «توسعه پایدار» مطرح می شود به مسلمانان توصیه می نماید. با روشن شدن این جوه و اهداف خواهیم دید که به راحتی نمی توانیم (و نمی بایست) اصطلاح «توسعه پایدار» را با تعاریفی که ارائه می شود بپذیریم و ناچار بایستی به جعل اصطلاحی همت گماریم که هم شامل اهداف مثبت «توسعه پایدار» باشد و هم این که اصول و ارزشهای

● بسیاری از اندیشه ها با وجودی که زادگاهشان مشرق زمین بوده است در موطن خویش مهجور مانده اند ولی در سرزمین های پیشرفته صنعتی مورد توجه قرار گرفته و به عنوان اندیشه های جدید و غربی جهانگیر شده اند.

فرهنگی مان در آن لحاظ شده باشد. پس از ذکر ریشه‌های توسعه پایدار و مفهوم آن در فرهنگ اسلامی امکان پیشنهاد اصطلاحی مناسب تسهیل خواهد شد.

### توسعه پایدار چگونه که هست

یکی از سیاستهایی که طی سالهای اخیر در رابطه با فعالیت‌های انسان و بویژه در ارتباط با محیط زیست مطرح شده است حرکت در جهت «توسعه پایدار» است. این اندیشه که در مغرب زمین مطرح و مورد اقبال عمومی خصوصاً سازمانهای فعال در زمینه محیط زیست و منابع طبیعی قرار گرفته است، در ایران نیز در چند سال اخیر سازمانهای مختلفی را بر آن داشته تا در جهت انطباق فعالیت‌های خویش با اصول و سیاستهای منبعث از آن برآیند.

گرچه مفهوم توسعه پایدار، اندیشه جدیدی نیست ولی مطرح نبودن آن، به گونه امروزی که دامنه مباحثات و موضوعات مرتبط با آن در سطح جهان به عنوان حرکتی فراگیر و بارسالتی جهانی مطرح شده بدان دلیل بوده است که در جوامع قبل از انقلاب صنعتی، توسعه، بطئی و هماهنگ با محیط طبیعی بود و در نتیجه تعادلی نسبی بین طبیعت و مصنوعات انسان وجود داشت. وانگهی نحوه نگرش به طبیعت و جهان هستی در جوامع با تفکر دینی قبل از انقلاب صنعتی، با نحوه نگرش جوامع غیر دینی معاصر و همچنین تفسیر رابطه انسان با طبیعت توسط این دو گونه جوامع کاملاً متفاوت بوده است.<sup>۵</sup> آگاهی از تأثیرات منفی و گاه جبران ناپذیر طر‌ح‌های توسعه اجرا شده در نیم قرن اخیر بر محیط زیست زمینه ساز مطرح شدن «توسعه پایدار» در اجلاس فونکس (۱۹۷۱) و اعلامیه استکهلم شد. در گزارش زمین گروه برانت (۱۹۸۷) «توسعه پایدار» محور مناظره درباره محیط زیست شد و نهایتاً با اعلامیه ریو (۱۹۹۲) محیط زیست و توسعه به عنوان یک سیستم یکپارچه مورد توجه قرار گرفت.<sup>۶</sup> اگرچه تنوع و گستردگی در مفهوم توسعه پایدار ایجاب می نماید که در تمامی ابعاد مورد عنایت قرار گیرد و برخی سازمانهای بین المللی از قبیل یونسکو مسأله آموزش و اشتغال

● آگاهی از تأثیرات منفی و گاه جبران ناپذیر طرح‌های توسعه اجرا شده در نیم قرن اخیر بر محیط زیست، زمینه ساز مطرح شدن «توسعه پایدار» شد.

را مطرح می نمایند و حتی از مبانی «معرفت‌شناسی پایدار» نیز سخن به میان آمده است<sup>۷</sup> اما در عمل، محور اصلی مناظرات مربوط به توسعه پایدار «بوم‌شناسی» است که بیش از ابعاد اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن مورد نظر بوده است. در این مقوله نیز ابعاد کمی (از قبیل حفاظت از منابع طبیعی و کاهش آلودگیها و تغییر الگوی مصرف) بیش از کیفیات مطرح بوده است. از همین رو «توسعه پایدار» را چنین تعریف می نمایند: «توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای کنونی جهان را مرتفع می سازد بدون آن که توانایی نسل‌های آینده را برای دستیابی به نیازهایشان با مشکل مواجه سازد»<sup>۸</sup> با توجه به این تعریف، همانگونه که تاکنون نیز بویژه در ایران چنین بوده است توجه بیشتر معطوف به طبیعت و منابع طبیعی می گردد. این در حالی است که با اندیشه عمیقتر، اصول منبعث از تعریف توسعه پایدار که بر مبنای جهان بینی تعریف شده هر تمدنی به دست می آید، باید اصول تعیین کننده و مسلط بر همه فعالیت‌های جامعه اعم از معنوی و مادی (کیفی و کمی) باشد. هدف اصلی مقاله حاضر نیز توجه به برخی ویژگیهای منبعث از جهان بینی اسلامی است که باید بر «نسخه ایرانی توسعه پایدار» حاکم باشد.

بطور اجمال می توان گفت: آنچه امروزه بعنوان «توسعه پایدار» مطرح است عمدتاً به جنبه‌های مادی و فیزیکی (کمی) محیط زیست و در جهت حفظ وضع موجود برای نسل‌های آینده توجه دارد. به عبارت دیگر حفاظت از منابع محیطی و توسعه پایدار اقتصادی به عنوان هدف اصلی مطرح است. این خصیصه همه اندیشه‌ها و تفکرات سده‌های اخیر جوامع صنعتی است که نگاه خود را به امور مادی و حداکثر جنبه نفسانی و نه بعد معنوی و روحانی حیات دوخته اند.

### ریشه‌های توسعه پایدار در تعالیم اسلامی

با عنایت به آنچه گذشت نخست باید روشن ساخت که «توسعه پایدار» چه رابطه‌ای با «جهان بینی» اسلامی دارد و آیا با تفکر اسلامی منطبق و هماهنگ است یا خیر؟ این نکته بسیار مهمی است که باروشن شدن آن می توان میزان

شایسته توجه به «توسعه پایدار» را تعیین نمود. وانگهی، بدین ترتیب سیاستهای متخذه از پشتوانه‌ای معنوی و فرهنگی برخوردار خواهند شد. بدیهی است که منظور ما توجیه دینی توسعه پایدار نیست بلکه نویسندگان تنها در صدد یافتن زمینه‌های احتمالی این «خط‌مشی» در «جهان بینی» اسلامی- ایرانی هستند.

در این ارتباط توضیح دو نکته ضروری به نظر می‌رسد. نخست اهمیت توجه به جهان بینی، تفکر و فرهنگ اسلامی (گذشته از مباحث عقیدتی و باور به شمولیت اسلام بر همه ابعاد زندگی) از آنجا ناشی می‌شود که اولاً اجرای هر سیاست و برنامه‌ای در جامعه نیاز به تأیید و حمایت فرهنگی دارد و فرهنگ ایرانی بخش قابل ملاحظه‌ای از اصول اساسی خود را از اسلام اخذ نموده است. ثانیاً «توسعه پایدار» اصولاً مقوله‌ای است که عامل فرهنگ (هم در تبیین و هم در عمل) در آن نقشی مهم و اساسی ایفا می‌نماید.<sup>۹</sup> ثالثاً همانگونه که گذشت در صورت مشخص شدن نظر مثبت تفکر و تعالیم اسلامی در مورد هر پدیده و برنامه‌ای از جمله در مورد توسعه پایدار، امکان پذیرش و رعایت آن از سوی جامعه و در نتیجه، امکان توفیق آن افزایش خواهد یافت.

نکته دیگر، جستجوی ریشه‌های «توسعه پایدار» در تفکر و تعالیم اسلامی است. یکی از مواردی که هویت و سلامت تمدنی را تضمین می‌کند و اعضای آن تمدن و جامعه را از «احساس حقارت در مقابل بیگانگان» و «از خود بیگانگی»<sup>۱۰</sup> محفوظ می‌دارد و به او «عزت» و «اعتماد به نفس» و «هویت» می‌بخشد این است که اعضای آن جامعه احساس کنند همه چیزهای مرتبط با آنها و جامعه‌شان در قلمروهای مختلف «نظر» و «عمل» متعلق به خودشان و جامعه‌شان می‌باشد. بنابراین لزوم ارزیابی و محک زدن اندیشه‌های وارداتی با معیارهای منبعث از جهان بینی خودی بار دیگر مورد تأکید قرار می‌گیرد. از همین روست که جستجوی ریشه‌های «توسعه پایدار» در تفکر اسلامی و ارزیابی زمینه‌های وارداتی با معیارهای خودی به منظور ارائه تعریفی ایرانی یا بعبارتی ارائه نسخه ایرانی- اسلامی برای توسعه پایدار ضرورت دارد.

خوشبختانه با تغییر و تحولات فیزیک جدید و راهی که اینک فراروی عالمان سایر علوم بویژه فیلسوفان و دانشمندان قرار گرفته است، جهان به سمتی سیر می‌کند که آراء و عقاید دانشمندان و متفکران اسلامی در حال یافتن جایگاه اصلی خویش در جهان امروز می‌باشد. برای نمونه نگرش «جزء‌گرایانه» (Atomism) که سالیان درازی بر تفکرات و فلسفه و سایر شقوق علوم انسانی حکمروایی می‌کرد آرام آرام جای خود را به تفکر «کل‌گرایی» (Holism) می‌دهد. این پدیده در نهایت اثر مطلوبی بر نحوه نگرش و تنظیم روابط و فعالیت‌های انسانی خواهد داشت و عاملی در جهت دست شستن از جزم‌گرایی و خودمحوری انسان (به مفهوم متداول و غربی آن) خواهد بود. انسان آینده خواهد دانست که تجربه‌گرایی که نام عملگر بر خویش نهاده و چوب تکفیر «تجربه» که نام «علم» بر آن نهاده بودند را بر فرق هر مخالفی فرود می‌آوردند، به مرور توانایی خویش را از دست داده‌اند و جهان دریافته است که حکمت (Wisdom) و دانش و معرفت (Knowledge) مقامی فراتر از علم (Science) و تجربه محض دارد.

نگاهی اجمالی به متون و منابع اسلامی نشان می‌دهد که بحث «توسعه پایدار» به صورتی بسیار والاتر، پیچیده‌تر، جامع‌تر و با معناتر از آنچه امروزه مطرح است در این منابع مورد اشاره قرار گرفته است.<sup>۱۱</sup> متأسفانه سالیان دراز صبر کردیم تا غریبه‌ها که خود عامل و مسبب آسیب‌های جدی و فاجعه‌آمیز به محیط زیست و طبیعت بوده‌اند،<sup>۱۲</sup> به خود آیند و در پی رفع اشتباهات گذشته و حفظ محیط زیست و ترمیم آسیب‌ها بر آیند. ولی اکنون نباید تنها به اصول و مفاهیمی که غربیان به آنها دست یافته و مروّجش هستند بسنده کنیم، بلکه بایستی «میانی نظری» جامع آن را بر مبنای تفکر و اعتقادات اسلامی تنظیم کنیم و در مرحله بعد نه تنها خود آن را به کار بندیم بلکه به عنوان نسخه کامل توسعه پایدار که به همه قلمروهای حیات انسان و جهان طبیعت توجهی در خور دارد به جوامع اسلامی و جهانیان نیز عرضه نماییم تا دنیا بدانند که نه تنها تا کنون به بیراهه می‌رفته، بلکه اکنون نیز راه را بطور کامل نشناخته است. در واقع انسان امروز هنوز «راه» را نشناخته بلکه تنها متوجه شده که تا کنون در «بیراهه» سیر

● توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای کنونی جهان را مرتفع می‌سازد بی آنکه توانایی نسل‌های آینده را برای دستیابی به نیازهایشان با مشکل مواجه سازد.

نمایش وحدتی است که به نوبه خود گویای وحدانیت خالق است. پس در جامعه اسلامی، توسعه‌ای را می‌توان «توسعه پایدار» نامید که در آن رعایت عدل در حد اعلا شده باشد.

محیط زندگی مسلمانان و حاصل فعالیت‌هایشان بایستی تجلیگاه «عدل» به عنوان ویژگی بارز فعل الهی و اصل اساسی اسلام باشد. بنا به تعالیم اسلام و قرآن کریم اصولاً نزول کتاب و میزان به همراه ارسال پیامبران الهی هدفی جز برای داشتن قسط و عدل ندارد.<sup>۱۶</sup> مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تعریف عدالت می‌فرماید: «عدالت در لغت به معنی اعتدال بین عالی و دانی و میانه بین دو طرف افراط و تفریط است».<sup>۱۷</sup> به بیان دیگر، رعایت عدل (یعنی قرار دادن هر شیء در جایی که بهتر از آن برایش مکانی متصور نباشد) خواسته و هدف اصلی و بنیادین توسعه پایدار است. و تعالیم اسلامی سرشار از توصیه به عدل در شئون مختلف حیات است. در واقع پایه گذاران اندیشه توسعه پایدار نیز تنها در صورت ایجاد تعادل و رعایت عدل در طبیعت خواهند توانست به آرزوی خویش نایل آیند. همانگونه که گفتیم انسان معاصر در حال حاضر خروج خویش از عدل (ظلم) یا به بیراهه رفتن خویش را درک نموده و اینک وقت آن رسیده است تا راه (عدل) و ویژگی‌های آن را نیز بشناسد. اگر با استناد به این اصل عدل بخواهیم تعبیر متعادلی برای (Sustainable Development) بیابیم به تعابیر و اصطلاحاتی چون «توسعه متعادل» یا «حفظ تعادل جهان» یا «تعادل در توسعه» خواهیم رسید. در راستای رعایت اصل عدل که همانا حفظ و ایجاد تعادل در محیط خواهد بود ملحوظ داشتن سایر صفات و اصول همچون اجتناب از لغو و بیهودگی، اجتناب از بطالت، رعایت حق، مراعات حد و اندازه و... ضرورت تام دارد.

یکی از موارد مهمی که در راستای «عدل» مطرح می‌باشد عبارت است از در مسیر کمال قرار دادن همه عناصر و اشیاء، و این همان تبعیت از اصول حاکم بر عالم وجود است که در آن عقربه همه شدن‌ها همواره رو به سوی کمال دارد. «کمال جویی» و «کمال طلبی» در همه ابعاد زندگی مسلمانان نفوذ دارد و یکی از ملاک‌های اصلی تعیین مسیر فعالیت‌های فردی و جمعی آنان است.

می‌کرده است. فواید تدوین مبانی نظری جامع توسعه پایدار، آن خواهد بود که اولاً موضوع بر مبنای نیازهای ملی شکل خواهد گرفت، ثانیاً به دلیل ایرانی و اسلامی بودن پایه‌ها و همچنین روش‌های اجرایش، اعتقاد به آن و تعهد به رعایتش فزونی خواهد گرفت و ثالثاً به دلیل تکمیل يك نظریه علمی، وجهه‌ای مناسب و جهانی برای جامعه علمی کشور کسب خواهد شد.

مروری بر تعالیم اسلامی بیانگر این حقیقت نیز می‌باشد که اسلام اصولی را برای زندگی و تداوم حیات بشر مطرح می‌نماید که در مباحث محیط زیست، نحوه استفاده از منابع موجود، نحوه ارتباط انسان با طبیعت، و از همه مهمتر نحوه نگرش انسان به خویش و به عالم وجود و ارتباط میان آنها بسیار راهگشاست. به عبارت دیگر این اصول کلی (به عنوان جهان بینی) راهنمای جامعه اسلامی در تدوین سیاست‌های کلی حاکم بر جامعه خویش می‌باشند. بر اساس این اصول نباید هیچ امر و هیچ شیئی به سمت تباهی و فساد سوق داده شود، بلکه همه امور و همه اشیاء بایستی به نحو مطلوب به سمت کمال هدایت شوند. به عبارت دیگر، مراجعه به متون اسلامی نشان می‌دهد که تفکر اسلامی منادی «تداوم کمال» اشیاء است. شناسایی اصول و معیارهای حاکم بر فعل انسان با تدقیق در دو مقوله امکان پذیر می‌گردد: «صفات فعل الهی» و «وظیفه انسان در زمین» که این مقولات ذیلاً به اجمال معرفی می‌شود و راه‌های استنتاج اصول از آنها تبیین می‌گردد.

### الف: صفات فعل الهی

از آنجا که طبق تعالیم اسلام، انسان (آدم) به عنوان خلیفه و جانشین خداوند در زمین قرار داده شده است، برای نیل به شایستگی ایفای این نقش، افعال انسان بایستی صبغه‌ای از صفات فعل الهی داشته باشد. تدقیق در متون اسلامی نشان می‌دهد که یکی از مهمترین صفات فعل الهی «عدل» و از دیگر صفات فعل الهی «حق بودن»<sup>۱۳</sup> «بری بودن از لغو و بطالت»<sup>۱۴</sup> و «اندازه داشتن»<sup>۱۵</sup> را می‌توان نام برد که جملگی می‌توانند به عنوان زیرمجموعه صفت «عدل» مطرح شوند. حاصل عدالت، ظهور و بروز تعادل در عالم هستی است و این تعادل

● اصول منبث از تعریف توسعه پایدار باید اصول تعیین کننده و مسلط بر همه فعالیت‌های جامعه اعم از معنوی و مادی باشد.

به تبعیت از تعالیم ارزشمند اسلام، سراسر زندگی مسلمانان و از جمله ادبیاتشان سرشار و مشحون از توجه به «کمال» و به عبارتی «توسعه‌ای پایدار» بوده است که در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود. در مثنوی معنوی آمده است:

از جمادی مُردم و نامی شدم  
وز نمأُردم به حیوان سرزدم  
مُردم از حیوانی و آدم شدم  
پس چه ترسم کی زمردن کم شدم  
بار دیگر من بمی‌رم از بشر  
تا برآرم از مـلائک بال و پر<sup>۱۸</sup>  
نظری اجمالی بر ابیات فوق نشان می‌دهد که حتی با تکرار مکرر ذکر و یادآوری «مُردن»، بهیچوجه موضوع نقصان و هلاکت و فنا و... در بین نیست و آنچه که مطرح است رفتن و حرکت به سوی کمال (توسعه پایدار) است.

در تفکر اسلامی برای اشیاء و معانی، حالت ایستایی و سکون و بر یک حالت ماندن توصیه نمی‌شود بلکه بایستی در همه فرایندها و فعالیتها بارقه‌ای از حالت «کمال جویی» و «کمال طلبی» مستتر باشد تا بتوان از «أنا لله و أنا الیه راجعون»<sup>۱۹</sup> سخن گفت. کمال جویی در عین برقراری عدل، تکامل و پویایی را نیز دربر دارد و بنابراین در تکمیل تفسیر توسعه پایدار از دیدگاه اسلامی می‌توان به جای کلمه «توسعه» واژه «کمال» و به جای «پایداری» مفهوم «تداوم» و «حرکت» را مطرح نمود و لذا بجاست که به جای اصطلاح «توسعه پایدار» از اصطلاحاتی دیگر از جمله: «تداوم کمال» یا «کمال مداوم» یا... استفاده کرد چرا که در اینجا به جای «توسعه» بحث «کمال» مطرح است. در این تفکر، محیط و عناصر مربوط به آن می‌باید مداوماً به صبغه‌ای از کمال (متعالی تر از وضعیت قبل و حال) ملبّس گردند. این تعالیم تا بدانجا پیش می‌رود که بر هر عملی (حتی ساده‌ترین اعمال مادی) تفکر کمال جویی و وجود هدفی والا و معنوی حاکم است، و بر یک مکان و موقعیت ماندن، خسران تلقی می‌گردد. چنانچه در روایات آمده است که: «در خسران است کسی که امروزش مانند دیروزش باشد.» به بیان دیگر لزوم رفتن به سوی کمال و طلب آن ضرورت حیات انسانی است. اگر این رویه را در مورد توسعه پایدار تعمیم دهیم

خواهیم دید که حفاظت از منابع و محیط (آنگونه که طبق تعاریف توسعه پایدار توصیه می‌شود) کافی نخواهد بود بلکه باید همان رویه «کمال جویی» یا «تداوم کمال» که بدو مطرح کردیم ملاک عمل و معیار ارائه تعریفی خودی از توسعه پایدار باشد.

### ب: وظایف انسان در زمین

همانگونه که در بخش پیشین گذشت، اندکی دقت در مفهوم توسعه پایدار در تفکر اسلامی نشان می‌دهد که توسعه پایدار رعایت عدالت و حرکت به سوی کمال است. رسیدن به چنین هدفی تکالیفی را برای انسان مقرر می‌سازد. از جمله مهمترین وظایفی که از خلال دستورات و بایدها و نبایدهای شرع برای مسلمانان مشخص می‌شود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

اصلاح و عمران در زمین و اجتناب از فساد در آن: آیات متعددی از قرآن کریم انسان را از فساد در زمین بر حذر داشته است و به اصلاح در زمین که همانا عمل صالح است امر می‌فرماید. از جمله آیه شریفه ۵۶ از سوره اعراف: «وَلَا تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» هرگز در زمین پس از آن که کار آن به امر حق و رسول حق نظم و صلاح یافت به فساد و تباهکاری برنخیزید و خدا را هم از راه ترس هم از روی امید بخوانید که البته رحمت او به نیکوکاران نزدیک است.<sup>۲۰</sup> بنابراین تعالیم قرآنی می‌توان گفت نقشی که می‌تواند عامل رستگاری انسان باشد «اصلاح» در زمین و اجتناب از «فساد» در آن است. به تبع این نقش، فعالیت‌های انسان در زمین بایستی صبغه‌ای از اصلاح در زمین، اصلاح در روش زندگی، اصلاح روحیات و منش انسان، اصلاح فرد و جامعه و... را به نمایش گذارد و از فساد در همه زمینه‌ها بپرهیزد. در نتیجه می‌توان گفت هر فعالیتی که در زمین انجام می‌پذیرد بایستی به گونه‌ای در خدمت انسان و رشد کرامت‌های او باشد. برای نمونه، در ارتباط میان انسان و محیط زیست، چنین تفکری در پی سلطه جنون آمیز و مخرب بر طبیعت نیست، بلکه توصیه کننده و مشوق بهره‌گیری مناسب از آن برای اهدافی است که برای نهایت زندگی انسان مقرر گردیده است. به عبارت دیگر برخورد جامعه اسلامی با طبیعت بر خوردی اصلاح گرایانه است، زیرا این باور بر

● تفکر اسلامی در رابطه با طبیعت و محیط و رابطه انسان با آنها و نحوه استفاده از منابع طبیعی و... و جوه و اهدافی بسیار والاتر از آنچه را که در اندیشه «توسعه پایدار» مطرح می‌شود به مسلمانان توصیه می‌نماید.

آنها بر سایر امور نیز توجه شود، انسان به راحتی نخواهد توانست مادیت را از معنویت، محیط را از انسان، دنیا را از آخرت، ظاهر را از باطن، و صورت را از سیرت منتزع نماید این سخن سخنی است که به تبع وجود سلسله مراتب و درجات مختلف (مادیت و معنویت، دین و دنیا و امثالهم) قلمروهای مختلف حیات انسان را نیز باید به صورت انتزاعی مورد مذاقه قرار گیرند.

تجربیات سایرین و الگوهای خودی: یکی از موارد مهمی که توجه به آن ضرورت دارد استفاده از تجربیات سایر تمدنها (اعم از گذشته و معاصر) است. در این راه عنایت به موضوعاتی چون مشابهت‌های اقلیمی، تشابهات فرهنگی، درجه ایجاد وابستگی، میزان امکان استفاده از نیرو و امکانات خودی، و ارزیابی و دریافت نکات مثبت و منفی در مقایسه با مفهوم توسعه پایدار موجود و... ضرورت دارد تا بازدهی (بازدهی جامع و نه تنها بازدهی اقتصادی) به حداکثر رسد و از وابسته شدن پیشگیری شود. همانگونه که در تعریف توسعه پایدار مطرح شد، در مورد کلیه الگوهای هم که به تولید و مصرف منابع مرتبط می‌باشند بایستی شناسایی و ارائه الگوهای ملی و خودی مدنظر قرار گیرد. به عبارت دیگر در زمینه بهره‌گیری از علوم و تجارب سایر ملل و تمدنها وجود معیارهای منبعث از فرهنگ خودی برای ارزیابی و بهره‌گیری آنها ضرورت دارد تا بتوان از این راه، اشکالات و مغایرتهای آنها را با تعالیم اسلامی و فرهنگ خودی حذف و برطرف نمود و هماهنگیها و همسوییهای آنها را تقویت کرد.

تأثیر اتخاذ سیاست توسعه پایدار بر برنامه‌های مختلف: از جمله این تأثیرات لزوم تعریف مفاهیم و اصطلاحات می‌باشد. فی‌المثل در مورد تعریف مفهوم اسراف می‌توان گفت که با عنایت به محدودیت منابع، هر مصرفی که عاملی در جهت تکامل (کیفی و کمی) نباشد نوعی اسراف تلقی می‌گردد.

تدوین اصول برنامه‌ریزی ملی: با عنایت به اصول و معیارهای یادشده که به‌عنوان ریشه‌های توسعه پایدار در فرهنگ اسلامی مطرح شد رعایت اصول زیر به‌عنوان مبانی برنامه‌ریزی ملی توصیه می‌شود: تعادل، اصلاح، استکمال، آینده‌نگری،

جامعه حاکم است که انتخاب راهی که به اصلاح ختم نشود عامل تباهی و هلاکت جامعه خواهد بود. «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ: سَنَتَ خَدَايَ تَعَالَى چنين نبوده که قریه‌ای را هلاک و منقرض کند در حالی که اهل آن قریه اهل اصلاح باشند. چه این خود ظلم است و لَا يُظْلَمُ رَبُّكَ أَحَدًا: پروردگار تو به احدی ظلم نمی‌کند.»<sup>۲۱</sup>

عمران و آبادی زمین یکی دیگر از وجوه اصلاح زمین است. چرا که یکی از اهداف مترتب بر فعالیت‌های انسان در زمین عمران و آبادی آن می‌باشد. چنانچه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: او شمار از خاک آفرید و شمارا به ساختن و آبادی زمین گمارد.<sup>۲۲</sup>

اجتناب از اسراف و تبذیر: اسلام انسان را به شدت از اسراف و تبذیر بر حذر داشته و به میانه‌روی و اعتدال فراخوانده است. به مصداق «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...»<sup>۲۳</sup> و «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا»<sup>۲۴</sup> و «الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مُضِلَّةٌ وَطَرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَةُ»<sup>۲۵</sup>، برنامه‌های جامعه اسلامی بر نامه‌هایی میانه‌روانه است که پرهیز از بیهودگی را سرلوحه خود دارد و به شدت از اسراف و تبذیر اجتناب می‌ورزد و با افراط و تفریط در تضاد است. اسراف و تبذیر تنها به استفاده بیش از حد نیاز و تباه کردن منحصر نمی‌گردد، بلکه عدم استفاده صحیح نیز می‌تواند نوعی اسراف تلقی گردد، و حتی بالاتر از آن در صورت عدم روند تکاملی در مصرف مواد می‌توان صحبت از اسراف به میان آورد.

## در خاتمه

با عنایت به آنچه گذشت در ارائه نسخه ایرانی توسعه پایدار توجه به موارد زیر توصیه می‌شود: وحدت قلمروهای مختلف حیات: اگر جنبه‌های مختلف حیات و نیازهای انسان به معنویت و مادیت تفکیک شده و انسان به‌عنوان یک واحد و کلیت مدنظر قرار نگیرد همان می‌شود که اکنون دنیا در پیش روی خود دارد. در حالی که اگر جنبه‌های مختلف انسان و جهان خارج توأماً مطمح نظر قرار گیرد و به تأثیرات تغییر هر کدام از

● فواید تدوین مبانی نظری نسخه ایرانی - اسلامی توسعه پایدار آن خواهد بود که نخست، موضوع بر مبنای نیازهای ملی شکل خواهد گرفت؛ دوم، به دلیل ایرانی و اسلامی بودن پایه‌ها و روش‌های اجرایی آن تعهد به رعایتش فزونی خواهد گرفت؛ و سوم، با تکمیل یک نظریه علمی، و جهه‌ای مناسب و جهانی برای جامعه علمی کشور کسب خواهد شد.

● در جامعه اسلامی، توسعه‌ای را می‌توان «توسعه پایدار» نامید که در آن رعایت عدل در حد اعلای شده باشد.

1995.

۱۱. که البته این جمله الزاماً به معنای اشاره مستقیم به اصطلاح و عبارت «توسعه پایدار» نیست بلکه مراد اشاراتی است که به صفات و ویژگیهای آن در قالب توصیه‌هایی برای زندگی متعادل روی کره زمین شده است.

۱۲. در مباحث اجلاس ریو و مجمع عمومی نیویورک کشورهای در حال توسعه بر این نکته اصرار داشتند که آلودگیهای کنونی محیط زیست جهان ناشی از دوران صنعتی شدن کشورهای توسعه یافته است.

۱۳. «و خلق الله السموات والارض بالحق... و خدا آسمانها و زمین را [به بازیچه خلق نکرده بلکه] به حق آفریده است...» (قرآن کریم، سوره جاثیه، آیه ۲۲)، همچنین ر.ک. قرآن کریم، سوره احقاف (آیه ۳)، سوره زمر (آیه ۵)، سوره عنکبوت (آیه ۴) و سوره حجر (آیه ۸۵).

۱۴. «و ما خلقنا السماء والارض و ما بينهما باطلاً... ما آسمان و زمین و هر چه بین آنهاست را بازیچه و باطل نکرده ایم...» (قرآن کریم، سوره ص، آیه ۲۷)، همچنین ر.ک. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۹۱.

۱۵. «وان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم: هیچ چیز در عالم نیست جز آن که منع و خزینة آن نزد ما خواهد بود ولی ما از آن بر عالم خلق الا به قدر معین که مصلحت است نمی فرستیم.» (قرآن کریم، سوره فرقان، آیه ۲).

۱۶. لقدر ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط سوره حدید، آیه ۲۵.

۱۷. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲ (دوره ۲۰ جلدی)، ص ۶۲، ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره.

۱۸. مثنوی معنوی، دفتر سوم.

۱۹. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۵۶.

۲۰. همچنین ر.ک. قرآن کریم سوره بقره (آیات ۱۱-۶)، سوره اعراف (آیه ۸۵) و سوره محمد ص (آیه ۲۲).

۲۱. تفسیر المیزان، ج ۲۱، صص ۱۴۹-۱۵۰، ذیل آیه ۲۳ سوره زخرف.

۲۲. قرآن کریم سوره هود: ۶۱.

۲۳. قرآن کریم سوره بقره: ۱۴۳.

۲۴. نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم «ص»)، مترجم و گردآورنده: ابوالقاسم پاینده (تهران: انتشارات جاویدان؟).

۲۵. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلینقی فیض الاسلام (تهران: وزین، ۱۳۵۱)، خطبه ۱۶ صص ۶۹-۷۰ (رفتن از راست و چپ راه به گمراهی می انجامد و راه راست راه میانه است، کتاب باقیمانده (قرآن کریم) و آثار نبوت بر آن (شاهد) است، و از آن راه راست (عدل محض) سنت و طریقه رسول خدا بیرون می آید و به سوی آن عاقبت امر بازگشت می نماید.

عبرت گیری، تذکر پذیری، کل نگری، وحدت گرایی، و بالاخره جامع نگری. نکته مهمی که قبلاً نیز مورد اشاره قرار گرفت و بایستی در همه مراحل مطالعه و تصمیم گیری مورد توجه قرار گیرد عبارت از تسلط تفکر جامع نگر بر روند و فرایند تحقیقات و فعالیتهاست.

## یادداشت‌ها

۱. طبیعی است که افول و انحطاط تمدنها و جوامع نیز پیامد تبعیت از جهان بینی ای خاص خواهد بود که پرداختن به آن در اینجا مورد نظر نمی باشد.

۲. همانگونه که مسلمانان در بسیاری زمینه های علوم و فنون و هنرها چنین کردند و با اخذ اندیشه ها و قالب های تمدنهای پیشین به اصلاح آنها پرداختند و چنان آنها را دگرگون ساختند که در نهایت آن اندیشه ها و قالب ها هویتی اسلامی یافتند و در جهان به صفت اسلامی متصف شدند. برای مطالعه در این زمینه از جمله ر.ک. به:

S. Hossein Nasr, **Sacred Art in Persian Culture** (Cambridge: Golgonooza Press, 1976).

۳. ر.ک. به:

Barati, Naser & others. "Language and Organisation of the Built Environment", **Journal of Environment**, Vol. 25, No. 1, 1997.

۴. انتخاب واژه مناسب و گویای ویژگیهای فرهنگ ایرانی به جای واژه (development) نیز موردی است که جای تحقیق و تفحص دارد.

۵. ر.ک. به:

Lan G Simmons, **Interpreting Nature: Cultural Constructions of the Environment** (London: Routledge, 1993).

۶. ر.ک. به:

Yearbook of the U. N. 1992. Vol. 46, p 673.

۷. رجوع کنید به:

Federico Mayor, "Capacity Building for Sustainable Development" in the Symposium of the Pole of the UN in the 21st Century, UN University, Tokyo. 18 Feb, 1993, p3.

۸. ر.ک. به:

E. A. Cook and H. N. Van Lier (eds). **Land-scape Planning and Ecological Network** (Amsterdam: Elsevier, 1994).

۹. ر.ک. ناصر براتی، «توسعه فرهنگی پایدار»، مجله برنامه و بودجه، سال دوم، شماره ۲۴، فروردین ۱۳۷۷.

۱۰. ر.ک. به:

Mohammad Naghizadeh, **Principles of the Contemporary Islamic Urban Design**. Unpublished PhD Thesis The University of NSW. Sydney.